گزارش تاریخی

ردپای ادیسون در مشهد!

چگونه ۱۲۱ سال قبل، چشم مشهدی‌ها به جمال لامپ و قبض‌های یک روزه برق، روشن شد؟

جواد نوائیان رودسری - می‌گویند برخلاف ادعای برخی مورخان، مبنی بر اختراع لامپ الکتریکی توسط ادیسون در سال ۱۸۸۰م/ ۱۲۵۹ش، این هاینریش گوبل آلمانی بود که در سال ۱۸۵۴م/ ۱۲۳۳ش لامپی ساخت با توانایی ۴۰۰ ساعت نورافشانی! شاید این مسئله درست باشد و شاید هم نه! اما هرچه هست، بیشتر مردم دنیا لامپ الکتریکی را اختراع توماس ادیسون می‌دانند و معمولا در این قضیه تردید نمی‌کنند؛ مثل مردم ایران و بیشتر شما خوانندگان عزیز که ادیسون را مخترع لامپ الکتریکی می‌دانید و البته برایمان هم مهم نیست که این روایت درست است یا نه؟! بعد از اختراع لامپ، طی مدت کوتاهی، این اختراع جدید عالم‌گیر شد و ابتدا سراسر آمریکا و اروپا را در برگرفت و سپس به آسیا راه یافت. استقبال عمومی از لامپ، مشکل عمده تاریکی شبانه و عوارض استفاده از چراغ‌های نفتی و گازی را از بین برد.

هنگامی که مظفرالدین‌شاه در سال ۱۹۰۰م/۱۲۷۹ش برای نخستین‌بار به فرنگ سفر کرد، استفاده از لامپ الکتریکی در کشورهای اروپایی کاملاً فراگیر شده‌بود و همین مسئله، شاه قاجار را بر آن داشت تا با خرید چند دستگاه مولد برق، این فناوری را وارد ایران کند و البته، مقرر شد که یکی از این دستگاه‌ها را برای تولید برق در حرم رضوی و مناطق همجوار آن مورد استفاده قرار دهند. ماجرای برق‌دار شدن مشهد، درست از همین زمان آغاز شد.

■ **حیدرخان برقی و مولد ۱۲ اسبه مشهد**

با دستور مظفرالدین‌شاه، حاجی محمدباقر میلانی، مشهور به «رضایوف» با نظارت «حکیم‌الملک»، نخستین دستگاه مولد برق را برای مشهد خرید؛ یک مولد برق ساخت انگلیس، با ۱۲ اسب‌بخار قدرت که برقی را با ولتاژ ۱۱۰ ولت تولید می‌کرد و سوخت آن هم زغال‌سنگ بود. دستگاه مولد را با هزار بدبختی و مشقت به مشهد رساندند؛ راه‌های آن زمان برای انتقال چنین وسایلی، آن هم با گاری و اسب، اصلاً مناسب نبود. بالاخره بعد از چند ماه علافی، مولد به مشهد رسید و آن را در بالاخیابان مشهد، جایی نزدیک بست‌بالا (مکانی که امروزه به بست شیخ توسی معروف است)، نصب کردند. البته خود این نصب کردن هم کلی دردسر داشت؛ از آن‌جا که قرار بود مولد برق، انرژی موردنیاز را برای روشن کردن لامپ‌های الکتریکی حرم رضوی فراهم کند، متولیان امر اصرار داشتند که مهندس برقی که قرار بود استخدام شود، حتماً مسلمان باشد. یافتن چنین آدمی در آن دوران، زیاد راحت نبود. اما مرحوم رضایوف که مسلمان معتقدی هم بود، تمام سعی خودش را کرد و دست آخر، «حیدرخان برقی» را برای مدیریت و نگهداری نخستین مولد برق مشهد پیدا کرد. این حیدرخان، بعدها و در تاریخ معاصر ایران، به «حیدرخان بُمبی» یا «حیدرخان عموواوغلی» معروف شد؛ یکی از مبارزان معروف دوره مشروطه که احتمالاً بیشتر علاقه‌مندان به تاریخ، با نام او آشنایی دارند. حیدرخان برقی، در تفلیس که بخشی از گرجستانِ تحت سیطره روسیه تزاری به حساب می‌آمد، در رشته برق تحصیل کرده‌بود. او در یادداشت‌های شخصی‌اش به این مسئله اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در باکو با چند نفر ایرانی مربوط بودم، مظفرالدین‌شاه در سفر اول به فرنگ با میرزا علی اصغر اتابکِ مقتول، یک نفر مهندس مسلمان لازم‌شان شده‌بود که در مشهد مقدس کارخانه چراغ‌برق را دایر کند. چون در آن زمان بین مسلمان‌ها مهندس چراغ‌برق کم بود، مسلمان‌های باکو مرا معرفی کرده، ماشین و لوازم ۴۰۰ چراغ را خریداری کردند و به‌سمت خراسان حرکت کردم.»

حیدرخان؛ نخستین مهندس کارخانه برق در مشهد

■ **دردسرهای نصب و راه‌اندازی**

با نصب مولد برق در ابتدای بالاخیابان، نامِ کوچه‌ای را که در آن دستگاه نصب کرده‌بودند، به کوچه «چراغ برق» تغییر دادند؛ نامی که تا همین اواخر، در میان مشهدی‌های قدیمی رواج داشت و حتی تابلوی مربوط به آن را می‌شد بین غبار و جلبک‌هایی که اطرافش سبز شده‌بود، تشخیص داد؛ البته امروز دیگر نشانی از این گواهی هویتی در مشهد نیست. اسناد موجود نشان می‌دهند که راه‌اندازی نخستین مولد برق شهر مشهد، یکی دو سالی به طول انجامید؛ چرا؟ دقیقاً نمی‌دانیم؛ شاید مشکل کابل‌کشی یا فقدان سوخت موردنیاز مطرح بود. به هر حال در سال ۱۲۸۱ش، بالاخره مردم مشهد چشمشان به جمال لامپ الکتریکی روشن شد و نخستین چراغ را در مکانی زیر ایوان طلای صحن عتیق روشن کردند. مظفرالدین‌شاه دستور داده‌بود برای چراغ‌های الکتریکی صحن عتیق، چارچوبه‌ای مجلل بسازند. در واقع زائران با عبور از زیر این چارچوبه، وارد رواق‌ها می‌شدند؛ بالای چارچوبه شعری با این مضمون حک شده بود: «شهی که شمع حریمش فروغ مشعل و ماه/ چراغچی سزد او را مظفرالدین‌شاه».

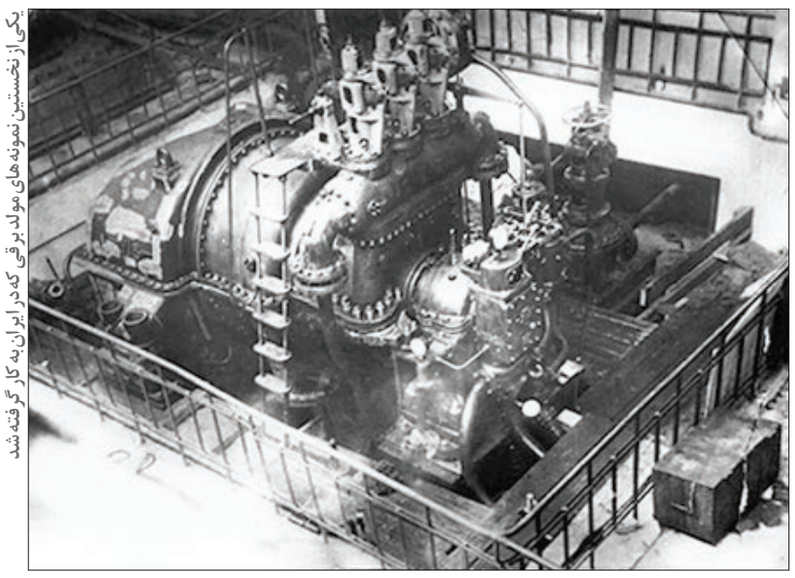
یکی از نخستین نمونه‌های مولد برقی که در ایران به کار گرفته شد

■ **نخستین اشتراک‌های برق**

درباره سرانجام چارچوبه مظفری، اطلاعاتی در اختیار نداریم؛ اما می‌دانیم که کارخانه برق «بست بالا»، افزون بر حرم رضوی، به خانه‌های اطراف خود نیز، برق می‌داد. همزمان با آغاز به کار مولد برق نخست در سال ۱۲۸۱ش، دومین مولد برق نیز، توسط حاج امیر رضوی، با قدرت ۲۵ اسب‌بخار خریداری و در بالاخیابان نصب شد؛ این مولد، برق موردنیاز خانه‌های اطراف حرم را تأمین می‌کرد و از این زمان تا ۳۰ سال بعد، به همراه مولد خریداری‌شده توسط مظفرالدین‌شاه، تنها مولد تولیدکننده برق در مشهد بود. در آن زمان، پول برق را به صورت روزانه و بر اساس تعداد «شعله» یا همان لامپ‌های روشن در هر منزل می‌گرفتند؛ به قول قدیمی‌ها، هر شب، «سرِ چراغ»، مأمور کارخانه برق می‌آمد و یک «قِران» حق اشتراک را از صاحبخانه‌ها می‌گرفت. البته این مولدها، کم و بیش دچار ایراداتی هم می‌شدند؛ آن‌گونه که گاه یکی دو ماهی نمی‌توانستند خدمات ارائه کنند. تحویل لامپ سالم به مشترکان نیز، برعهده کارخانه بود و در واقع لامپ‌ها، جزو اموال کارخانه برق به حساب می‌آمد؛ به همین دلیل، آسیب زدن به آن‌ها، باعث شکایت از صاحبخانه و مطالبه خسارت می‌شد.

پیش از تاریخ

کشف قدیمی‌ترین شواهد مراسم تدفین در ایران

آیین دفن با دندان گرگ؛ ۱۲ هزار سال قبل

حلاجیان - در فاصله بسیار نزدیک از بهشهر، شهری خوش‌آب و هوا در غرب مازندران، یکی از مهم‌ترین غارهای باستان‌شناسی در ایران و حتی سراسر جهان، وجود دارد؛ غار «هوتو» در دامنه رشته کوه البرز واقع شده و دارای دو مدخل، در ارتفاع‌های متفاوت است. همین مسئله باعث شده‌است که هوای درون غار، از تهویه مناسبی برخوردار باشد. کاوش‌هایی که در سال ۱۳۳۰ش به سرپرستی پروفسور کارلتون استیونز، استاد دانشگاه پنسیلوانیا روی این غار انجام شد، نشان داد که انسان‌هایی در حدود پنج هزار تا هفت هزار و ۵۰۰ سال پیش، در این غار زندگی می‌کردند. مهم‌ترین این کشفیات، بقایای پیکر مردوزنی است که امروزه در مطالعات انسان‌شناسی به «انسان هوتو» شهرت دارند. اهمیت غار و آثار کشف‌شده در آن، تا به اندازه‌ای است که در برخی موارد، از این غار به عنوان معدن طلای انسان‌شناسان یاد می‌کنند. برای کاوش در غار هوتو، طی چهار هفته، به‌تدریج بیش از ۱۰ متر از کف غار خاک‌برداری شد. دانشمندان در پایین‌ترین نقطه، به سنگ‌ریزه‌هایی از عصر یخبندان، با قدمتی حدود هفت‌هزار سال برخوردند. در همین قسمت انتهایی بود که تکه‌های استخوان‌های «انسان هوتو» پیدا شد. کنار هم قرار دادن تکه‌های جمجمه کشف‌شده، مشخص کرد که این اسکلت‌ها متعلق به نوع انسان خردمند یا همین انسان امروزی است و این یک کشف خارق‌العاده بود. اما ادامه کاوش‌ها در این غار، طی ماه‌های اخیر، پرده از رازهای دیگری برداشت. هیئتی از باستان‌شناسان به سرپرستی دکتر حسن فاضلی نشلی، استاد دانشگاه تهران، موفق به کشف اسکلت کودکی شش تا هشت ماهه، در لایه‌های دوره فراپارینه‌سنگی شدند که قدمت این لایه، به بیش از ۱۲ هزار سال قبل می‌رسد؛ دور گردن این کودک، گردن‌بندی مشاهده شد که جنس آن از استخوان بود؛ یعنی مهره‌های آن را با استفاده از استخوان حیوانات ساخته بودند و البته، در بین این استخوان‌ها، سه دندان گُرگ هم وجود داشت. چنین سندی نشان می‌دهد که ۱۲ هزار سال قبل، در غار هوتو، اجداد انسان‌های امروزی، آیین‌های ویژه‌ای برای دفن مردگان خود برگزار می‌کردند. پیش از این گمان می‌رفت که انسان‌های اولیه، نهایتاً از ۱۰ هزار سال پیش، چنین مراسم و رفتارهایی را انجام می‌داده‌اند. کشف جدید در غار هوتو، یکی از مهم‌ترین اکتشافات چندسال اخیر در حوزه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی است.

اندر احوالات قبله عالم

امان از «نون پادرازی» پدرسوخته!

یک‌شنبه، ۸ صفر ۱۳۰۶* - امروز سوار شدیم و رفتیم قصر فیروزه، ناهار خوردیم و بعد از ناهار، قدری خوابیدیم. عصر برخاستیم و چای و عصرانه خوردیم و سوار شدیم آمدیم دوشان‌تپه؛ می‌خواستیم شیرها و بچه‌شیرها را ببینیم. تماشا کردیم و دلمان خواست برویم داخل باغ و فواره تماشا کنیم. آمدیم توی باغ و به معمار گفتیم به فواره‌ها آب بیندازد. آب انداخت، ولی باز هم جوشید و فواره را خراب کرد. فواره‌ها از آب و جستن افتاده و معمار هم غیب شد. فرستادیم پدرسوخته را آوردند برای درست کردن فواره. قرار شد زودتر درستش کند که ما برویم و ببینیم و خوشمان بیاید. سوار شدیم و آمدیم شهر. درب در اندرون، عزیزالسلطان با فراش‌های کوچک خودش، غلام‌بچه‌های زیادی و جمعیتی ایستاده‌بود. معرکه‌ای داشت. خوب بازی می‌کردند. ایستادیم کمی نگاه کردیم. برایمان نون‌پادرازی آوردند. خوردیم، اما حالمان متغیر شد. درد اعضا و امتلا (ناهنجاری ناشی از پرخوری) گرفتیم. آمدیم به اندرونی، یبوست هم علاوه شد. خیلی حالمان بد بود. گفتیم سر و صدا نکنند کمی بخوابیم. روز خوبی نبود؛ آن از فواره و این هم از نون‌پادرازی پدرسوخته.

*۲۳ مهر ۱۲۶۷

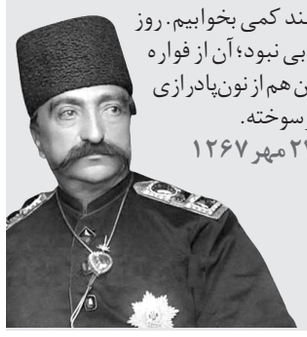

روایتی ناشنیده از یک سرباز فدایی وطن

وصیت کلنل پسیان به مادرش چه بود؟

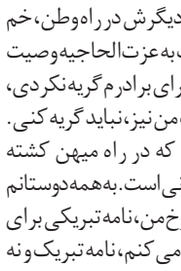

شاید کسی در عالم وجود نداشته باشد که مهر و محبت مادری را خالص‌ترین و عمیق‌ترین عشق‌ها ندانند. در همه اقوام و گروه‌ها، حس مادران به فرزندانشان، مثال‌زدنی و ضرب‌المثل است؛ حتما هیچ مادری، در غم از دست دادن فرزندش، تاب نخواهد آورد و برایش مویه‌ها سر خواهد داد؛ اما در این بین، هستند شیرزنانی که حاضرند عزیزترین دارایی‌شان را فدای هدف‌های بزرگ و والا کنند و شکرگزار این قربانی باشند. «عزت‌الحاجیه»، مادر کلنل محمدتقی پسیان، از آن مادرانی است که دو فرزند خود را در راه وطن قربانی و برای شهادت فرزندانش، مجلس جشن برپا کرد؛ چرا که در نظر «عزت‌الحاجیه»، نثار کردن جان برای چنین هدف والایی، جای سرور و خوشحالی دارد، حتی اگر این قربانی‌ها فرزندانش باشند. «عزت‌الحاجیه»، از دیار تبریز، به‌راستی که بانویی قهرمان و وطن‌دوست بود؛ وقتی خبر شهادت فرزندش، کلنل محمدتقی خان پسیان را برای او آوردند، عزت‌الحاجیه مجلس جشنی ترتیب داد و دوستان و آشنایان را دعوت کرد؛ خودش لباس سفید پوشید و از کسانی که برای دیدارش می‌آمدند، تا دل دردمندها را، در ماتم فرزندی این چنین شجاع، تسلی دهند، با چای و شیرینی پذیرایی کرد؛ در مجلس او، کسی جرئت سیاه‌پوشیدن نداشت؛ عزت‌الحاجیه، چنان شاد و خندان از مهمانان پذیرایی می‌کرد که گویی جشن عروسی پسر شهیداوست. رفتار او شاید برای خیلی‌ها عجیب به نظر می‌آمد. کلنل که می‌دانست مادرش در غم از دست دادن فرزند دیگرش در راه وطن، خم به ابرو نیاورده‌است، خطاب به عزت‌الحاجیه وصیت کرد: «مادر! همان‌طور که برای برادرم گریه نکردی، به‌هنگام شنیدن خبر مرگ من نیز، نباید گریه کنی. گریه کردن برای کسانی که در راه میهن کشته می‌شوند، گناهی نابخشودنی است. به همه دوستانم نوشته‌ام که پس از مرگ سرخ من، نامه تبریکی برای تو بفرستند؛ حرفم را تکرار می‌کنم، نامه تبریک و نه نامه تسلیت. حاشیه نامه‌ها هم نباید سیاه باشد، باید به‌رنگ سرخ باشد.» بی‌تردید از چنان مادری، چنین فرزندی باید. کلنل در سال ۱۳۰۰ش، در نزدیکی مشهد و به‌دست اشرار به شهادت رسید. آرامگاه ابدی او در محوطه باغ نادری مشهد قرار دارد.

آگهی دعوت از بستانکاران نوبت دوم شرکت تعاونی نمک یددار گلبهار مشهد (در حال تصفیه)
به شماره ثبت ۹۷۵۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۵۴۹۶۸
در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت تعاونی نمک یددار مشهد (در حال تصفیه) که آگهی انحلال آن در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۵۲۱۶۷۴۵ به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳ است دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه ازتاریخ انتشار آگهی نوبت اول که در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۶ بوده است با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به محل تصفیه شرکت واقع در مشهد- خیابان قرنی- قرنی ۲۷ پلاک ۳۸ واحد یک مراجعه نمایید (کدپستی ۹۱۹۵۹۳۳۷۱۳) بدیهی است که شرکت در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مهلت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.
مدیر تصفیه ابراهیم کرمی ۱۴۰۰۱۳۳۸۰/م

موسسه اعتباری کاسپین CASPIAN CREDIT INSTITUTION

مزایده عمومی – (نقدی) – مرحله پانزدهم - شماره ۱۲۰ – ۱۴۰۰ موسسه اعتباری کاسپین

این موسسه در نظر دارد، املاک و اراضی مازاد خود (طبق جدول ذیل) رااز طریق مزایده عمومی به صورت نقدی، به فروش برساند. متقاضیان می توانند جهت آگاهی از شرایط مزایده، بازدید ملک و دریافت فرم های پیشنهادی ظرف مدت ۱۰ روز (از تاریخ چاپ آگهی) به وب سایت موسسه به آدرس www.caspianci.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۴۲۷۵۹-۰۲۱ داخلی ۱۸۹ اداره املاک موسسه تماس حاصل نمایند.

ردیف	نام استان	آدرس		مشخصات ملک: کاربری	مشخصات ملک: عرصه/قدرالسهم (مترمربع)	مشخصات ملک: اعیان(مترمربع)	قیمت پایه(ریال)
۱	خراسان رضوی	خیابان عبدالمطلب، حد فاصل عبدالمطلب ۲۶و۲۸	مشهد	تجاری مسکونی	۲۳۹/۶	همکف تجاری ۲۳۹/۶ / طبقه اول ۲۵۰/۲۹۵ طبقه دوم ۲۵۰/۲۹۵ / طبقه سوم ۲۰۱/۲۴۵	۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲		خیابان رسالت، حد فاصل رسالت،۶۲و۶۴		تجاری مسکونی	۱۷۲/۰۵	زیر زمین ۱۷۲/۵ / همکف ۱۷۲/۵ طبقه اول ۱۷۲/۵ / طبقه دوم ۱۷۲/۵ / طبقه سوم ۱۷۲/۵	۱۵۴,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۳		خیابان معلم، حدفاصل معلم ۴۹و۵۱ پلاک۸۰۱		تجاری مسکونی	۱۵۰	همکف ۱۵۰ / طبقه اول ۱۶۰/۲ طبقه دوم ۱۵۶/۳ / طبقه سوم ۱۵۶/۳	۱۳۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴		بلوار استقلال، نبش غربی استقلال۲		تجاری مسکونی	۱۳۶/۵	زیر زمین ۱۳۶/۵ / همکف ۱۳۶/۵ طبقه اول ۱۶۹/۴۸۴ / طبقه دوم ۱۶۹/۴۸۴ / طبقه سوم ۱۶۹/۴۸۴	۲۴۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۵		قاسم آباد، بلوار شهید فلاحی، حدفاصل فلاحی ۳۴و۳۶		تجاری مسکونی	۲۴۳/۲۰	همکف ۲۰۵ / طبقه اول۱۵۳/۲۵ طبقه دوم ۱۵۳/۲۵ / طبقه سوم ۱۵۳/۲۵	۱۵۱,۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۶	خراسان رضوی	سه راه دانش، یک خیابان مانده به جاده قدیم، سمت راست پلاک۴۲	مشهد	مسکونی	۲۰۰	۱۲۰	۱۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۷		خیابان گاز۶، بیست متری شهید محمود سلطانی میلان سوم پلاک۱۱		مسکونی	۱۲۵	۸۰	۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۸		بلوار امیریه-امیریه۵۰		ورزشی	۲۴۶۰۶,۸۲	-------	۸۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۹		خیابان امام خمینی غربی-نرسیده به میدان فردوسی-روبروی بانک کشاورزی	بجنورد	مسکونی	قدر السهم	۱۵۸,۹۴	۱۹,۸۶۷,۰۰۰,۰۰۰

۱۴۰۰۱۴۰۵۶